



University of Tehran Press

Private Law

Home Page: <https://jolt.ut.ac.ir>

Online ISSN: 2423-6209

Investigating the Theory of the Cause of Obligation Agreed in the Amended Report With the Possibility of Termination or Annulment

Majid Tasharrofi^{1*} | Seyyed Ahmad Ali Hashemi²

1. Corresponding Author, Department of Private Law, School of Law and Social Sciences, Payam Noor University, International Branch, City Name, Tehran, Country Name, Iran. E-mail: hashemi.a@pnu.ac.ir

2. Department of Private Law, School of Law and Social Sciences, Payam Noor University, International Branch, City Name, Tehran, Country Name, Iran. E-mail: tasharrofim@yahoo.com

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:
Received: June 20, 2024
Revised: April 01, 2025
Accepted: May 17, 2025
Published online: 09 October 2025

Keywords:
Cause of Commitment,
Amended Report,
Nature,
Termination,
Annulment.

ABSTRACT

The main topic of legal science is "rights and duties" so that people can freely decide and resolve their disputes in cases of disputes regarding their rights. Accordingly, in Iran's legal system, settlement and compromise and consequently the institution of amended report have a special status, in which, according to the theory of commitment, the parties attempt to reach an agreement with each other. Now, it is possible that one of the parties has violated the cause of obligation that was considered in the amended report, and this issue would be proven after the amended report is implemented. The current research based on the studies conducted in this field and the analysis of the nature of the amended report and the theory of the cause of commitment in a descriptive-analytical manner, comes to the conclusion that if the contrary of the cause of commitment considered in the amended report is proven, this report cannot be terminated or annulled. . Because in this case, the amended report has become a shaky tool and individuals become confused about their rights and obligations.

Cite this article: Tasharrofi, M. & Hashemi, A. A. (2025). Investigating the Theory of the Cause of Obligation Agreed in the Amended Report With the Possibility of Termination or Annulment. *Private Law*.22 (1), 43-53. <http://doi.org/10.22059/jolt.2025.378135.1007306>



© Authors retain the copyright and full publishing rights.
DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2025.378135.1007306>

Publisher: University of Tehran Press.



انتشارات دانشگاه تهران

حقوق خصوصی

سایت نشریه: <https://jolt.ut.ac.ir>

شاپا الکترونیکی: ۶۲۰۹-۲۴۲۳

بررسی نظریه علت تعهد در توافقات معنونه در گزارش اصلاحی با رویکرد امکان ابطال یا فسخ آن

مجید تشریفی^{۱*} | سیداحمدعلی هاشمی^۲

۱. نویسنده مسئول، گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور واحد بین الملل، تهران، ایران. رایانامه: hashemi.a@pnu.ac.ir
۲. گروه حقوق دانشکده حقوق دانشگاه پیام نور واحد بین الملل، تهران، ایران. رایانامه: tasharrofim@yahoo.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۳۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۱۷

کلیدواژه:

ابطال،

علت تعهد،

فسخ،

گزارش اصلاحی،

ماهیت.

استناد: تشریفی، مجید و هاشمی، سیداحمدعلی (۱۴۰۴). بررسی نظریه علت تعهد در توافقات معنونه در گزارش اصلاحی با رویکرد امکان ابطال یا فسخ آن. حقوق خصوصی، ۲۲ (۱) ۴۳-۵۳.

<http://doi.org/10.22059/jolt.2025.378135.1007306>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نویسندگان.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2025.378135.1007306>



مقدمه

گزارش اصلاحی یکی از نهادهای مهم و راهگشا در حوزه قانون آیین دادرسی مدنی است که در تمام ادوار قانونگذاری ایران جایگاهی ویژه و ممتاز نزد قانونگذار داشته است. چون این نهاد یکی از ابزارهای کاربردی در خاتمه اختلاف به روش صلح و سازش است و مفاد ماده ۱۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی در این خصوص بر این مطلب تأکید دارد که دادگاه پس از حصول سازش میان طرفین ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به صدور گزارش اصلاحی می‌کند. بنابراین مسلم است که ماهیت این نوع گزارش مبتنی بر توافق طرفین و سازش است. اما مسئله اصلی در خصوص گزارش اصلاحی در رویه قضایی ماهیت و چیستی این نوع گزارش است. چون غالباً، به‌رغم صدور گزارش اصلاحی، شخص متعهد به تعهدات درج‌شده در این گزارش عمل نمی‌کند و همین مسئله سبب ایجاد اختلافات بین طرفین و تمایل متعهدله برای فسخ یا ابطال گزارش اصلاحی می‌شود که برای این موضوع لازم است ماهیت گزارش اصلاحی در خصوص عقد یا حکم و ... تبیین شود که در این خصوص در قانون جدید آیین دادرسی به طور صریح مشخص نشده است و متأسفانه همین موضوع باعث ابهام و اختلاف نظرهای فراوان در رابطه با ماهیت و اعتبار این نهاد شده است.

با توجه به اینکه گزارش اصلاحی اغلب دربرگیرنده تعهداتی برای طرفین است به گونه‌ای که اجرای این تعهدات شرط استمرار و قوام گزارش است این مسئله در حقوق فرانسه تحت تأثیر تئوری «علت تعهد» است و بر این اساس ماهیت و کارکردهای این نهاد توجیه می‌شود.

حال بر اساس مقدمات بیان‌شده، در پژوهش حاضر درصدد بررسی و پاسخگویی به این سؤال هستیم که اگر محتوای گزارش اصلاحی مبتنی بر ابرای بدهکار به جهت خاصی باشد و سپس خلاف آن ثابت شود، طلبکار می‌تواند نسبت به ابطال یا فسخ گزارش اصلاحی اقدام کند یا خیر؟ به طور کلی در مقایسه با حقوق فرانسه آیا گزارش اصلاحی قابلیت فسخ یا ابطال دارد؟ پاسخگویی به این سؤال می‌تواند به ابهامات بسیاری که در این زمینه در مراجع قضایی مطرح می‌شود کمک کند.

پیشینه پژوهش

با توجه به اینکه در باب «بررسی نظریه علت تعهد در گزارش اصلاحی با رویکرد امکان ابطال یا فسخ آن» پژوهشی انجام نشده است نگارنده در تلاش است که به صورت تحلیلی این موضوع را مورد بررسی قرار دهد. پژوهش‌هایی که تا حدودی با این عنوان مرتبط هستند عبارت‌اند از:

- مقاله «بررسی تطبیقی جایگاه "جهت" در حقوق قراردادهای ایران و حقوق نوین فرانسه» نوشته مصطفی هراتی (۱۳۹۹). در این پژوهش نگارنده به بررسی تاریخچه نظام حقوقی فرانسه و تدوین تئوری علت تعهد اشاره نموده و سپس به این مسئله در نظام حقوقی ایران پرداخته است. اما کارکرد این تئوری در خصوص نهاد گزارش اصلاحی مورد توجه قرار نگرفته است.

- مقاله «نظریه جهت در قراردادها: مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام، ایران و فرانسه» نوشته سید حسین صفایی (۱۳۵۱). در این پژوهش نیز همانند سایر پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه نگارنده به بررسی تاریخچه تئوری علت تعهد و کارکردهای آن در حقوق فرانسه و نیز جایگاه آن در نظام حقوقی ایران پرداخته است. اما به جایگاه این تئوری در توافقات اشخاص که در قالب گزارش اصلاحی و از طریق صلح و سازش انجام می‌شود اشاره‌ای نشده است.

- پایان‌نامه «نظریه علت تعهد در نظام حقوقی کامن لا در مقایسه با حقوق ایران و فرانسه» نوشته بهزاد پورسید (۱۳۷۲). در این پژوهش نگارنده به بررسی تئوری علت تعهد در نظام حقوقی ایران و سایر نظامات و به تأثیر آن در خصوص عقود معوض و غیر معوض پرداخته است. اما در این پژوهش نیز به تأثیر این تئوری و ضمانت اجرای تخلف از آن در گزارش اصلاحی به عنوان یک نهاد پرکاربرد اشاره‌ای نشده است.

علت تعهد در عقود

علت در عقود و تعهدات یکی از شرایط اساسی تشکیل و صحت آنهاست و فقدان علت یا نادرست بودن آن یا خلاف اخلاق حسنه و نظم عمومی بودن آن منجر به بطلان تعهد و عقد خواهد بود. اما نکته جالب آن است که اثر علت نه فقط در مرحله تشکیل عقود و تعهدات حائز اهمیت است بلکه در مرحله اجرا نیز همین اهمیت را دارد؛ چنان که در صورت فقدان علت نیز پس از انعقاد قرارداد تعهد باطل خواهد بود. بنابراین علت هم در مرحله تشکیل هم در مرحله اجرا حائز اهمیت است و ضمانت اجرایی فقدان آن بطلان است.

بر اساس تأثیرگذاری علت تعهد در سرنوشت معاملات، در حقوق مدنی فرانسه نظریه علت تعهد مطرح شده است که این نظریه یکی از پرچالش‌ترین نظریات حقوق فرانسه در سده‌های اخیر بوده است. بر اساس این نظریه هر قراردادی که از توافق طرفین به وجود می‌آید باید دارای علت تعهدی^۱ باشد. زیرا هر شخصی که تعهدی را بر عهده می‌گیرد به دنبال هدفی است که مستقیماً از آن به دست می‌آید و آن هدف «علت تعهد» نام دارد. به عبارت دیگر آنچه شخص به واسطه انجام معامله به صورت مستقیم و بلاواسطه به دست می‌آورد علت یا جهت تعهد است. مثلاً در عقد بیع مالک شدن جهت تعهد است و این انگیزه که آن خانه را برای دفتر وکالت یا مطب پزشک یا دفتر مهندسی یا سکونت استفاده کنیم جهت معامله است (Dayani, 2010: 106-139).

این نظریه هرچند در حقوق مدنی ایران به صورت صریح به رسمیت شناخته نشده و دوگانگی میان حقوقدانان وجود دارد، آثار آن را می‌توان در مفاد مواد ۱۹۰^۲ و ۲۱۷ قانون مدنی^۳ مشاهده کرد. همچنین حقوقدانانی نظیر دکتر صفایی علت تعهد در قراردادها را پذیرفتند و معتقدند که اشتباه در علت تعهد از موجبات بطلان عقد است (صفایی، ۱۳۵۱: ۶۱). اما گروهی دیگر نظیر دکتر کاتوزیان معتقدند که علت از آن تعهد است و اشتباه در آن با اصل یا موضوع معامله ارتباط پیدا می‌کند و موجب بطلان عقد نمی‌شود (کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها ۱۳۸۳: ۱۴۳). با این وصف علت تعهد به دو نوع تقسیم می‌شود:

علت تعهد نوعی

طرفداران نظریه نوعی یا موضوعی علت تعهد را اساساً با توجه به جنبه اقتصادی آن توجیه می‌کنند. طبق این نظریه، جهت علت اقتصادی وجود تعهد است. مثلاً در عقد بیع مالکیت عین، در عقد اجاره، مالکیت منافع در مدت اجاره برای مستأجر و نیز مالکیت اجاره‌بها برای موجر است. بنابراین، تعهد که مالی را از دارایی متعهد خارج می‌کند جز با ورود مالی به دارایی او قابل توجیه نیست و این دارا شدن به طور نوعی و موضوعی بدون در نظر گرفتن جنبه‌های شخصی و درونی متعهد بررسی می‌شود. پس چنانکه طرفداران این نظریه گفته‌اند جهت «یک عنصر مادی» قرارداد است (Ghestin Jacques, 2006: 269).

به موجب این نظریه، علت از اراده به کلی جداست. نقش جهت متمایز از نقش اراده است و اهمیت این دو عنصر متفاوت است. ارزش علت در همه تعهدات یکسان نیست. هر قدر اهمیت علت بیشتر باشد ارزش اراده کمتر است. بدین سان علت در مقام استفاده بسیار مهم است و در قراردادهای معوض مهم تلقی می‌شود و بالاخره در قراردادهای غیر معوض ارزش خود را از دست می‌دهد و در این قراردادها فقط اراده معتبر است. به عبارت دیگر، علت جنبه اصلی و عملی تعهد است که طرفین به منظور دستیابی به آن وارد معامله می‌شوند و اراده مرحله بعد از علت است. به بیان دیگر، اراده زمانی تحقق می‌یابد که طرفین علت مشخصی را تعیین کنند و تصمیم به برقراری رابطه تعهد بگیرند.

1. cause

۲. برای صحت هر معامله شرایط ذیل اساسی است:

- قصد طرفین و رضای آن‌ها.

- اهلیت طرفین.

- موضوع معین که مورد معامله باشد.

- مشروعیت جهت معامله.

۳. در معامله لازم نیست که جهت آن تصریح شود ولی اگر تصریح شده باشد باید مشروع باشد والا معامله باطل است.

علت تعهد شخصی

از بزرگ‌ترین طرفداران این نظریه هانری کاپیتان است که در کتاب معروف خود تحت عنوان *جهت تعهدات* که به سال ۱۹۲۳ انتشار یافته نظر خود را ابراز داشته است.

کاپیتان به‌وضوح از نظریه کلاسیک الهام می‌گیرد، لیکن آن را تعدیل و اصلاح می‌کند و نظریه‌ای می‌سازد که بعضی آن را نئوکلاسیک نامیده‌اند. کاپیتان راهگشای نظریه‌های شخصی علت تعهد است. به اعتقاد کاپیتان علت قرارداد عبارت از هدف مورد نظر متعهد است. اگر اساس تعهد قراردادی در اراده است باید توجه داشت که انسان جز آنکه دیوانه باشد، بدون غایت و هدف اراده نمی‌کند. پس تعهد ارادی نمی‌تواند پدید آید و دوام یابد مگر اینکه علتی که تعهد به خاطر آن پذیرفته شده است موجود و مشروع باشد (Terré François, Simler Philippe et Lequette Yves, 2009: 96-105).

بنابراین علت شخصی تعهدات در واقع علت غیر مستقیم آن است و هر قرارداد و تعهد واجد انگیزه و علتی است که هر فرد برای رسیدن به آن اقدام به انعقاد قرارداد و پذیرش تعهد می‌کند که در صورت فقدان و یا به تعبیر صحیح‌تر عدم مشروعیت آن هیچ‌گونه اراده‌ای برای ایجاد تعهد واقع نمی‌شود.

بنابراین علت تعهد شخصی جنبه شخصی دارد و برخلاف علت نوعی که بر حسب نوع عقود متفاوت بود و در واقع در هر دسته‌ای از عقود علت یکسان بود در علت شخصی چنین نیست و امری کاملاً شخصی است که به انگیزه افراد مربوط است و به همین لحاظ بر حسب افراد در هر عقدی متفاوت است. مثلاً یکی خانه‌ای را خریداری می‌کند برای سکونت دیگری و دومی برای اجاره دادن و سومی برای تبدیل آن به قمارخانه و چهارمی برای فروش مجدد و کسب سود و همین‌طور می‌تواند انگیزه افراد متفاوت باشد.

حال با توجه به ماهیت تئوری علت تعهد به نظر می‌رسد که یکی از مواردی که این تئوری می‌تواند کاربرد ویژه‌ای داشته باشد گزارش اصلاحی و اجرای آن است. حال سؤالی که به ذهن متبادر می‌شود این است که اگر اشتباه در علت تعهد در گزارش اصلاحی احراز شود می‌توان گزارش اصلاحی را ابطال یا فسخ کرد؟ برای پاسخ به این سؤال اصلی، باید مفهوم و ماهیت گزارش اصلاحی مورد بحث قرار گیرد و ابهامات پیرامون این موضوع شفاف‌سازی شود.

مفهوم گزارش اصلاحی

"گزارش" به سندی گفته می‌شود که اطلاعاتی را در یک قالب سازمان دهی شده برای مخاطبان خاص راجع به یک موضوع ارائه می‌کند. "اصلاحی" نیز عبارت است از اینکه صلح و سازشی بین طرفین در دادگاه و با دخالت دادرس در خصوص دعوی موجود یا دعوی احتمالی صورت گرفته و منعقد شده باشد (شمس، ۱۳۸۷: ۱۱۴). با این تفاسیر به‌خوبی روشن می‌شود که گزارش اصلاحی در اصطلاح حقوقی نهادی است که حکایت از شرح و بیان وقوع عقد صلح مدنی در مقام رفع تنازع موجود یا رفع تنازع احتمالی بین دو یا چند نفر در دادگاه و با دخالت یا نظارت دادرس دارد. به این دلیل می‌گوییم دخالت یا نظارت دادرس که عقد صلح مبنای صدور گزارش اصلاحی ممکن است با دخالت و تلاش دادرس حاصل شده باشد یا توسط خود متداعیین یا حتی توسط افراد ثالث و به طریق میانجیگری تحقق یافته باشد و دادرس فقط نقش نظارتی یا تأییدکننده را ایفا کند.

بنابراین بهترین تعریفی که در نهایت از طریق بررسی معنا و مفهوم لغوی و اصطلاحی دو واژه به کار برده شده در گزارش اصلاحی به دست می‌آید در راستا و تأیید مضمون تعریفی است که یکی از استادان حقوق پیرامون گزارش اصلاحی آورده است: «گزارش اصلاحی صورت‌مجلسی است که دادگاه در زمان صلح طرفین دعوا می‌نویسد با شرح خصوصیات صلح و آن نه حکم است و نه قرار بلکه یک سند قضایی رسمی است.» (شمس، ۱۳۸۷: ۹۲).

ماهیت گزارش اصلاحی

ماده ۱۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی اشعار می‌دارد: «دادگاه پس از حصول سازش بین طرفین به شرح فوق رسیدگی را ختم و مبادرت به صدور گزارش اصلاحی می‌نماید. مفاد سازش‌نامه که طبق مواد فوق تنظیم می‌شود نسبت به طرفین و وراثت و

قائم مقام قانونی آن‌ها نافذ و معتبر است و مانند احکام دادگاه‌ها به موقع اجرا گذاشته می‌شود، چه اینکه مورد سازش مخصوص به دعوی مطروحه بوده یا شامل دعوی یا امور دیگری باشد». این ماده قانونی دارای نکات ظریفی است که موجب اختلاف نظر در بین حقوقدانان و قضات محاکم شده است. در اینکه مبنای صدور گزارش اصلاحی عقد صلح است هیچ شک و تردیدی وجود ندارد. منشأ اختلاف نظرها ماهیت حقوقی گزارش اصلاحی از لحاظ آیین دادرسی مدنی است که این اختلاف نظرها در باب ماهیت گزارش اصلاحی اختلاف در اعتبار، چگونگی و نحوه اعتراض به آن را به دنبال دارد. آنچه مسلم است در خصوص ماهیت حقوقی گزارش اصلاحی پنج نظریه و تئوری وجود دارد:

گروه اول معتقدند که گزارش اصلاحی ماهیت قرارداد صلح مدنی یا سند رسمی را داراست.

گروه دوم بر این نظر هستند که گزارش اصلاحی حکم محسوب می‌شود. این نظر که بیشتر در محاکم و رویه قضایی دیده می‌شود بر این اصل استوار است که گزارش اصلاحی جزء تصمیمات دادگاه محسوب می‌شود و ماهیت حکم دارد و در شمول آرای قضایی قرار می‌گیرد. اداره حقوقی در نظریه مشورتی شماره ۴۴۶/۱۷ مورخ ۱۳۸۳/۰۴/۲۷ چنین اظهار داشته است: «چون گزارش اصلاحی مانند احکام قطعی به موقع اجرا گذاشته می‌شود، لذا مورد از مصادیق قضیه مختومه تلقی می‌شود. بنابراین تقدیم دادخواست اعتراض ثالث بر گزارش اصلاحی صادره از دادگاه منع قانونی ندارد». در این نظریه مشاهده می‌شود که اداره حقوقی گزارش اصلاحی را واجد اعتبار قضیه مختومه تلقی کرده است و از آنجا که اعتبار قضیه مختومه مختص آرای (حکم و قرار) است به نظر می‌رسد اداره حقوقی در این نظر مشورتی ماهیت گزارش اصلاحی را حکم دانسته است. این در حالی است که شعبه اول دیوان عالی کشور با رد تجدید نظرخواهی تجدیدنظرخواه با این استدلال که گزارش اصلاحی قابل تجدید نظرخواهی و قابل اعتراض نیست این نظریه را رد کرده است.

اما در پاسخ به این دیدگاه می‌توان گفت اولاً اگر گزارش اصلاحی حکم بود قانونگذار در ماده ۱۸۴ به کلمه «مانند» در «مانند احکام دادگاه‌ها به موقع اجرا گذاشته می‌شود» متوسل نمی‌شد. چون ما می‌دانیم که قانونگذار کار عبث انجام نمی‌دهد. علاوه بر آن طبق اصل هویت یا این‌همانی «هر چیزی خودش خودش است». بنابراین هر موضوع یا امری که مانند موضوع یا امر دیگر باشد نمی‌تواند دقیقاً خود آن باشد. پس نتیجه‌ای که از این موضوع حاصل می‌شود اینکه چون زمانی که قانونگذار می‌گوید مانند احکام دادگاه‌ها یعنی گزارش اصلاحی، احکام دادگاه نیست (بهرامی، ۱۳۸۵: ۶۴). ثانیاً قانونگذار فرموده است مانند احکام به موقع اجرا گذاشته می‌شود، یعنی گزارش اصلاحی تنها از لحاظ اجرایی مانند و شبیه احکام هست. هر امری که از لحاظ اجرا مانند امر دیگر باشد دلیل بر این نمی‌شود که از لحاظ ماهوی نیز مانند آن باشد. ثالثاً گزارش اصلاحی انعکاس نظر طرفین است. دادرس و دادگاه هیچ گونه اظهارنظری جز تأیید و تثبیت اراده طرفین انجام نمی‌دهد. بنابراین نمی‌توان گزارش اصلاحی را حکم در نظر گرفت (حیاتی، ۱۳۹۰: ۵۸).

گروه سوم بر این باورند که گزارش اصلاحی قرار محسوب می‌شود. اما در نقد این نظریه می‌توان گفت تنها پیش‌بینی و جواز قانونی که برای صدور قرار سقوط دعوا در قانون آیین دادرسی مدنی وجود دارد در بحث استرداد دعوا و در بند «ج» از ماده ۱۰۷ قانون مذکور است که مقرر داشته است: «استرداد دعوا پس از ختم مذاکرات اصحاب دعوا در موردی ممکن است که یا خوانده راضی باشد و یا خواهان از دعوی خود به کلی صرف نظر کند. در این صورت دادگاه قرار سقوط دعوا صادر خواهد کرد». درک صحیح از ماده قانونی فوق که یکی از مواد مهم قانون آیین دادرسی مدنی است به‌تنهایی برای رد نظریه قرار سقوط دعوا بودن گزارش اصلاحی کافی است. چنان که مشاهده می‌شود ماده قانونی فوق ناظر بر زمانی است که خواهان پس از ختم مذاکرات اصحاب دعوا قصد دارد دعوی خود را مسترد کند. بنابراین اساساً شمول گزارش اصلاحی از دایره قرار سقوط دعوا خارج است.

گروهی نیز اعتقاد دارند گزارش اصلاحی یک تصمیم حسبی است که از طرف دادگاه اتخاذ می‌شود. اما در رد این نظریه می‌توان گفت امور حسبی در قانون ایران به‌صراحت توسط قانونگذار تعریف و بیان شده است (ماده ۱ قانون امور حسبی). اینکه گزارش اصلاحی در قانون کد فرانسه امور حسبی تلقی می‌شود (کد آ.د.م. فرانسه ماده ۲۰۱۲) دلیل بر این نمی‌شود که به تبع قانون فرانسه ماهیت گزارش اصلاحی در حقوق ایران را نیز تصمیم حسبی بدانیم؛ هرچند قانون ایران برگرفته از قانون فرانسه باشد. همچنین همان‌طور که قانونگذار به‌صراحت در ماده ۱ قانون امور حسبی بیان داشته است «امور حسبی اموری است که

دادگاه‌ها مکلف‌اند نسبت به آن امور اقدام نموده و تصمیمی اتخاذ نمایند بدون اینکه رسیدگی به آن‌ها متوقف بر وقوع اختلاف و منازعه بین اشخاص و اقامه دعوا از طرف آن‌ها باشد». پس تصمیم حسبی تصمیماتی است که دادگاه در رابطه با اموری می‌گیرد که آن امور مورد اختلاف و منازعه بین اشخاص نیست. یکی از دکترین حقوقی در این باره می‌نویسد: «در امور حسبی هیچ‌گاه دعوایی وجود ندارد تا بتوان گفت دادرسی برای فصل آن حکومت کرده است». این در حالی است که در صدور گزارش اصلاحی، صرف‌نظر از اینکه دعوایی از سوی آن‌ها در دادگاه مطرح شده باشد یا نه، همیشه دعوایی بین طرفین موجود است یا اینکه در مورد اموری بین آن‌ها اختلاف و منازعه وجود دارد که از طریق صلح و سازش بین خود آن دعاوی یا امور اختلافی را حل و فصل می‌کنند و سپس دادگاه گزارش اصلاحی را صادر می‌کند (شمس، ۱۳۸۷: ۱۵۳).

در نهایت گروهی بر این عقیده هستند که گزارش اصلاحی بسته به اینکه سازش در محکمه انجام پذیرد یا سازش در خارج از محکمه واقع شود می‌تواند دارای ماهیت متفاوتی باشد.

با توجه به مفاد قانون مدنی و نتیجه‌ای که از انجام گزارش اصلاحی حاصل می‌شود که به موجب آن طرفین گزارش درباره نحوه انجام موارد اختلافی و زمان و سایر خصوصیات با یک‌دیگر توافق می‌کنند و به موجب آن به اختلاف فی‌مابین خود خاتمه می‌دهند به نظر می‌رسد که گزارش اصلاحی قراردادی است که در قالب عقد صلح انجام می‌شود و بنابراین تمام ویژگی‌های این عقد را خواهد داشت.

یکی از حقوقدانان معتقد است که گزارش اصلاحی عمل قضایی نیست بلکه قرارداد واقعی صلح است. ایشان می‌فرمایند: «گزارش اصلاحی از لحاظ ماهوی یک قرارداد واقعی است و اعتبار و اثر آن تابع قواعد عمومی قانون مدنی است. بنابراین اگر ایجاب این سازش نزد دادرسی واقع شود، پیش از قبول طرف دیگر اثر حقوقی ندارد». ایشان در جای دیگر می‌فرمایند: «عقد صلح قالبی است وسیع‌تر از همه عقود معین که برای تحقق حاکمیت اراده فراهم آمده است» (کاتوزیان، قراردادهای معین، ۱۳۸۳: ۷۵).

بنابراین می‌توان گفت بر اساس این دیدگاه گزارش اصلاحی یک قرارداد واقعی است و صرفاً ماهیت عقد صلح مدنی را دارد. پس، گزارش اصلاحی همانند عقد صلح تابع قواعد عمومی قراردادهاست و هر جا بتوان به عقد صلح ایراد وارد کرد گزارش اصلاحی نیز قابلیت طرح آن ایراد را دارد؛ مثل ایراد بطلان به سبب مخالفت با نظم عمومی یا اشتباه و اکراه و همچنین فسخ. اما از آنجا که پاره‌ای از خیارات با ماهیت عقد صلح منافات داد و تمام خیارات در آن راه ندارد بنابراین عقد صلح را نمی‌توان فسخ کرد مگر با خیار شرط یا اشتراط خیار (صحرائی و جمشیدی، ۱۴۰۰: ۸۶). قانونگذار نیز در ماده ۷۶۱ قانون مدنی بیان داشته است: «صلحی که در مورد رفع تنازع یا مبنی بر مسامحه باشد قاطع بین طرفین است و هیچ‌یک نمی‌تواند آن را فسخ کند اگرچه به ادعای غبن باشد، مگر در صورت تخلف شرط یا اشتراط خیار».

یکی دیگر از حقوقدانان معتقد است گزارش اصلاحی ماهیت عقد صلح را دارد. ایشان در ترمینولوژی حقوقی خود در تعریف گزارش اصلاحی چنین می‌فرمایند: «گزارش اصلاحی صورت‌مجلسی است که دادگاه در موقع صلح اصحاب دعوا تنظیم می‌کند. گزارش اصلاحی نه حکم است و نه قرار و عنوان رأی را ندارد. بلکه نظر به تصریح ماده ۶۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۱۲۹۱ قانون مدنی فقط اعتبار سند رسمی را دارد. چون، در حدود مواد ۴۶ - ۴۷ قانون ثبت، ثبت سند در دفاتر مخصوص ثبت اجباری است. مراجع ثبتی حق ندارند به استناد سند صلح دادگاه یا گزارش اصلاحی سند مالکیت صادر کنند. بلکه باید مفاد گزارش اصلاحی در دفاتر اسناد رسمی ثبت شود تا قابلیت سند مالکیت را داشته باشد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ۲۹۴). همچنین از نظر ایشان گزارش اصلاحی نوشته‌ای است که مرکب از دو جزء است. قسمت اول جنبه گزارش یعنی اخبار از تصمیم دو طرف دارد. این گزارش به طور اختصار از حضور طرفین و آمادگی آن‌ها برای مذاکرات اصلاحی و تمایل آنان به انعقاد عقد صلح حکایت دارد. قسمت دوم گزارش اصلاحی به طور صریح عبارت است از عقد صلح که در ماده ۷۵۲ قانون مدنی دیده می‌شود. در این عقد معمولاً تمام یا قسمتی از دعوا اسقاط می‌شود و ممکن است معوض و یا بلاعوض باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ۲۹۸). به هر حال، گزارش اصلاحی موضوع دعوا را قبل از اینکه دادرسی شروع به رسیدگی کند یا رسیدگی را به نتیجه برساند منتفی می‌گرداند. یعنی مجال برای انشای رأی و فصل خصومت باقی نمی‌گذارد و به همین جهت حکم تمیزی شماره ۳۱۱

مورخ ۱۳۲۶/۰۱/۲۶ درخواست تصحیح گزارش اصلاحی را منع کرده است. زیرا عنوان تصحیح حکم در این مورد معنی ندارد، برای اینکه در مورد گزارش اصلاحی رأی به معنی واقعی آن دیده نمی‌شود. بنابراین گزارش اصلاحی به طور صریح همان عقد صلح قانون مدنی است و ماهیتی جز عقد صلح ندارد که توسط دادگاه ثبت و تأیید می‌شود و اعتبار سند رسمی را پیدا می‌کند. بنابراین اگر شخص «الف» طلب خود را به شخص «ب» در قالب گزارش اصلاحی به علت خیرات و کمک به فقرا یا هر علت دیگری ابراً^۱ کند می‌توان گفت که عمل انجام‌شده هرچند ابراً است آثار صلح را خواهد داشت و علت تعهد نیز کمک به فقراست.

همچنین سؤال دیگری که در خصوص ماهیت گزارش اصلاحی مطرح می‌شود این است که آیا گزارش اصلاحی قابل اعتراض و تجدیدنظر است؟ در این خصوص ماده ۲۵ قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲ با پیش‌بینی تأسیس دادگاه صلح مقرر داشته است: «اعتراض طرفین پرونده به تصمیم شورا و نیز اعتراض ثالث نسبت به گزارش اصلاحی و تصمیم شورا قابل طرح در دادگاه صلح همان حوزه قضایی است و چنانچه تصمیم یا گزارش اصلاحی توسط مرجع رسیدگی به اعتراض نقض شود، مرجع مذکور موظف است رأساً به پرونده رسیدگی و رأی صادر کند».

بنابراین بر اساس ماده یادشده گزارش اصلاحی از سوی طرفین و ثالث قابل اعتراض است که این امر بیانگر در حکم بودن گزارش اصلاحی است.

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که اگر علت تعهد در این گزارش از سوی شخص «ب» نقض شود یا بعداً ثابت شود که شخص «ب» از ابتدا دروغ گفته است، در این حالت شخص «الف» از حق ابطال یا فسخ گزارش اصلاحی برخوردار است؟

حق فسخ یا ابطال گزارش اصلاحی در فرض تخلف از علت تعهد^۲

با توجه به ماهیت گزارش اصلاحی می‌توان گفت که ماهیت گزارش اصلاحی در قالب صلح قرار می‌گیرد و زمانی که طلبکار طلب خود را به بدهکار می‌بخشد و ذمه وی را بری می‌کند اقدام انجام‌شده عملاً ابراً است که در قالب عقد صلح انجام شده و مقررات این عقد بر آن حاکم می‌شود.

حال در مثالی که در بند پیشین گفته شد، با اقدام طلبکار نسبت به بری الذمه کردن بدهکار و امضای گزارش اصلاحی از سوی طرفین، عقد صلحی بین طرفین منعقد می‌شود که علت تعهد آن مشخص است و به لحاظ اخلاقی طرف مقابل مکلف است که به توافق مندرج در گزارش اصلاحی عمل کند. اما در صورتی که علت تعهد از سوی طرف مقابل (بدهکار) نقض شود به نظر می‌رسد که این مسئله صرفاً نقض یک قاعده اخلاقی است و از لحاظ حقوقی اختلاف نظرهایی بین حقوقدانان مطرح است. چون در هیچ بخشی از عقود معین و نیز گزارش اصلاحی بحثی در این خصوص به میان نیامده است و شاید دلیل اصلی سکوت مقنن مقتضای ذات و آثار عقد صلح، ابراً، و گزارش اصلاحی است.

اما در این خصوص هیئت عالی دیوان عالی کشور بر این امر تأکید می‌کنند که گزارش اصلاحی که بر مبنای مصالحه و سازش طرفین دعوا تنظیم می‌شود هم قابل اصلاح است هم قابل ابطال؛ اما نه در قالب اعتراض و تجدیدنظرخواهی، بلکه با تقدیم دادخواست نخستین مبنی بر ابطال گزارش اصلاحی با رعایت شرایط مقرر در ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی (شهیدی، ۱۳۹۳: ۷۹).

بنابراین به دلیل اینکه علت تعهد بر اساس ماده ۲۹۰ قانون مدنی از شرایط صحت عقد است در صورت اشتباه یا نقض در آن طلبکار (ذی‌حق) می‌تواند با تقدیم دادخواست نخستین ابطال گزارش اصلاحی یادشده را درخواست کند.

۱. ماده ۲۸۹ قانون مدنی: ابراً عبارت از این است که داین از حق خود به اختیار صرف‌نظر نماید.

۲. علت تعهد به معنای دلیلی است که موجب ایجاد یک تعهد یا الزام قانونی می‌شود. به عبارت دیگر، علت تعهد نشان‌دهنده هدف و انگیزه‌ای است که طرفین در زمان انعقاد قرارداد یا ایجاد تعهد به آن اشاره می‌کنند.

اما باید توجه داشت که بر مبنای قواعد حقوقی ابطال گزارش اصلاحی زمانی قابل مطالبه است که اگر دلایلی مبنی بر بطلان صلح و توافقات نسبت به موضوع صلح وجود داشته باشد و مشخص شود که توافقیها و تعهداتی که در گزارش اصلاحی آمده است از ابتدا معتبر نبوده‌اند طرفین می‌توانند دعوی ابطال گزارش اصلاحی را به مرجع صالح قضایی ارائه کنند. حال در صورتی که علت تعهد یادشده در گزارش اصلاحی درج نشده باشد عملاً اثبات این موضوع بسیار دشوار خواهد بود (مهاجری، ۱۳۹۷: ۹۴). بنابراین به نظر می‌رسد عدم درج شروط مبنای صلح و سازش در گزارش اصلاحی زمینه را برای تعرض از مبنای سازش و نقض گزارش اصلاحی فراهم می‌آورد.

در مقابل اکثریت حقوقدانان معتقدند که با توجه به مقررات ماده ۳۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی امکان ابطال گزارش اصلاحی وجود ندارد. به بیان دیگر طبق مقررات ماده ۳۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی موارد اعتراض عادی و فوق‌العاده به آرای محاکم مشخص شده است و اعتراض صرفاً در قالب همین موارد قابل پیگیری است؛ ضمن اینکه قانون آیین دادرسی مدنی یک قانون شکلی است و امکان تفسیر موسع وجود ندارد. به بیان دیگر در قوانین شکلی ما مأخوذ و محدود به نصوص هستیم. اگر طریقه‌ای برای ابطال گزارش اصلاحی در محاکم مدنظر مقنن بود قاعداً باید در قالب مواد و مقررات مربوطه تجویز می‌شد. طبق ماده ۱۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی گزارش اصلاحی با اراده مشترک طرفین ایجاد شده است. وفق قواعد حقوقی صرفاً از همین مجرا قابل باطل شدن است. اگر بپذیریم که گزارش اصلاحی قابل ابطال است، یکی از مهم‌ترین شیوه‌های فصل خصومت را با تزلزل مواجه کرده‌ایم که مخالف اتقان آرای قضایی است (امامی، ۱۳۵۲: ۸۳).

البته برخی از حقوقدانان نیز معتقدند که گزارش اصلاحی قابل اصلاح است که این امر جدای از قابلیت ابطال این‌گونه آراست. دلایلی که این قسم از حقوقدانان برای قابلیت اصلاح ارائه می‌کنند عبارت‌اند از:

۱. ماهیتاً گزارش عقد صلح است، آن هم در اکثر موارد صلح بر دعوا، نه صلح ابتدایی. سپس مانند سایر قراردادهای عادی یا رسمی دیگر می‌تواند موضوع بطلان دعوا یا فسخ قرار گیرد (صفایی، ۱۳۵۱: ۴۷).

۲. گزارش اصلاحی نه حکم است نه قرار. عنوان رأی ندارد؛ بلکه به نظر صریح ماده ۱۲۹۱ قانون مدنی فقط اعتبار سند رسمی را دارد.

۳. گزارش اصلاحی از اعتبار امر مختومه برخوردار است و قابل تجدیدنظرخواهی نیست و سایر راه‌های اعتراض به آرا نیز در خصوص آن قابل اعمال نیست.

۴. بر فرض که ضمن گزارش اصلاحی توافقی خلاف نظم عمومی مقرر شود با توجه به عدم قابلیت اعتراض آیا نباید راهی برای اصلاح اشتباه وجود داشته باشد. بنابراین با استناد به همین موارد می‌توان در موارد اشتباه در علت تعهد گزارش اصلاحی اقدام به ابطال آن کرد (حسینی، ۱۳۸۹: ۱۰۹).

۵. با توجه به ماهیت گزارش اصلاحی که یک قرارداد در قالب عقد صلح یا هر نوع قالب دیگر مانند ماده ۱۰ قانون مدنی است، در موارد استثنایی، امکان بررسی شرایط اساسی قرارداد مانند مفاد ماده ۱۹۰ قانون مدنی وجود دارد. بدیهی است منظور از امکان ابطال گزارش اصلاحی این نیست که یکی از اطراف آن موضوعات واهی مانند ورود ضرر را به عنوان مبنای ابطال اعلام کند.

همچنین در خصوص فسخ این قسم از گزارش اصلاحی نیز با توجه به اینکه در هیچ‌یک از مواد فصل نهم قانون آیین دادرسی مدنی، سازش و درخواست اشاره‌ای به امکان فسخ گزارش اصلاحی نشده است در خصوص این مورد هم به نظر می‌رسد این گزارش قابل فسخ نیست.

در رویه قضایی نیز گزارش اصلاحی قابل ابطال یا فسخ نیست؛ مگر اینکه این امر با عنوان ضمانت اجرای تخلف از شرط یا اشتراط خیار درج شده باشد. البته ممکن است که در برخی دادگاه‌ها رویه متفاوتی اتخاذ شود که به نظر می‌رسد این موضوع برای قاضی رسیدگی‌کننده تخلف انتظامی باشد.

در این خصوص با بررسی دیدگاه‌ها، نگارنده معتقد است که اگر طریقه‌ای برای ابطال گزارش اصلاحی در محاکم مدنظر مقنن بود قاعداً باید در قالب مواد و مقررات مربوطه تجویز می‌شد. طبق ماده ۱۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی گزارش اصلاحی با

اراده مشترک طرفین ایجاد شده است. وفق قواعد حقوقی صرفاً از همین مجرا قابل باطل شدن است. اگر بپذیریم که گزارش اصلاحی قابل ابطال است، یکی از مهم‌ترین شیوه‌های فصل خصومت را با تزلزل مواجه کرده‌ایم که مخالف اتقان آرای قضایی است. بنابراین گزارش اصلاحی به عنوان طریقی نوآوری برای حل و فصل اختلافات قابل ابطال یا فسخ نیست، مگر اینکه این حق در فرض تخلف از انجام تعهد در متن گزارش اصلاحی درج شده باشد که در این حالت متعهدله حق فسخ یا ابطال گزارش اصلاحی را خواهد داشت.

بنابراین، به‌رغم اثرگذاری ضمنی نظریه علت تعهد در نظام حقوقی ایران برخلاف فرانسه این نظریه به صورت مطلق پذیرفته نشده و تأثیرگذاری علت تعهد محدود به قواعد عمومی عقد مد نظر طرفین است.

حال به نظر نگارنده گزارش اصلاحی راهکار مناسبی جهت حل و فصل اختلافات است. ولی محدود کردن راه‌های فسخ یا اصلاح آن منطقی نیست و بهتر است امکان فسخ یا اصلاح آن پیش‌بینی شود. چون هر گونه وجود خلأهای قانونی در عمل منجر به سوءاستفاده متعهدعلیه می‌شود.

نتیجه

هرچند دکترین حقوقی مفهومی مجمل از علت در عقود و تعهدات ارائه داده‌اند، نمی‌توان جایگاه علت را به عنوان عنصری ضروری در انعقاد عقد نادیده گرفت. رویه قضایی فرانسه در آرای متعددی بر ضرورت وجود علت خاص و لزوم تحقق آن در قراردادهای تأکید کرده و بر این مبنا تئوری علت تعهد به‌رغم همه اختلاف نظرها در این کشور مورد توجه قرار گرفته است.

حال در نظام حقوقی ایران نیز هرچند این تئوری به‌صراحت پذیرفته نشده آثاری از آن را می‌توان در ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مشاهده کرد. همچنین نمونه بارزی از وضعیت حقوقی که می‌توان در آن کارکرد علت تعهد را مشاهده کرد گزارش اصلاحی در زمان صلح و سازش است که به موجب آن اشخاص با توافقی همراه با علت تعهد مشخص به اختلافات فی‌مابین خاتمه می‌دهند.

اما گاهی ممکن است که در علت تعهد درج‌شده در گزارش اختلافی اشتباهی پیش آید یا از سوی یکی از طرفین نقض شود. در این زمینه درباره امکان ابطال یا فسخ گزارش اصلاحی اختلاف نظرهایی بین حقوقدانان وجود دارد، اما به نظر نگارنده ابطال یا فسخ گزارش اصلاحی که ماهیتاً عقد صلح محسوب می‌شود وجود ندارد. چون ابطال یا فسخ اصولاً با اثر نهاد صلح و سازش دارای منافات است؛ مگر اینکه به عنوان ضمانت اجرای تخلف از شرط، حق فسخ یا ابطال درج شده باشد که در این صورت ذی‌نفع حق فسخ یا ابطال خواهد داشت.

در نهایت پیشنهاد می‌شود با تأسی از نظام حقوقی فرانسه و با بهره‌گیری از تئوری علت تعهد، قابلیت فسخ یا ابطال گزارش اصلاحی در فرض نقض تعهد در قوانین و مقررات، به‌ویژه در قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲، به دلیل جدیدالتصویب بودن، مورد بررسی و شفافیت قرار گیرد تا هیچ ابهامی در عمل برای مراجع قضایی پیش نیاید. چون این موضوع در رویه قضایی نیز محل اختلاف است و همین مسئله می‌تواند منجر به تضییع حقوق اشخاص ذی‌نفع شود.

منابع

- امامی، سید حسن (۱۳۵۲). حقوق مدنی. تهران: کتابفروشی اسلامیه. ج ۲.
- بهرامی، بهرام (۱۳۸۵). آیین دادرسی مدنی ۲. چ ۹. تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی نگاه بینا.
- پورسید، بهزاد (۱۳۷۲). پایان‌نامه «نظریه علت تعهد در نظام حقوقی کامن لا در مقایسه با حقوق ایران و فرانسه»
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۶). ترمینولوژی حقوق. چ ۸. تهران: گنج دانش.
- حسینی، سید محمدرضا (۱۳۸۹). آیین دادرسی مدنی در رویه قضایی. تهران: مجد.
- حیاتی، علی عباس (۱۳۹۲). آیین دادرسی مدنی ۲. تهران: میزان.
- دیانی، عبدالرسول (۱۳۸۹). مطالعه تطبیقی جهت و سبب در نکاح در حقوق ایران و فرانسه و فقه امامیه. پژوهش‌های حقوقی، د ۱۰.
- شمس، عبدالله (۱۳۸۷). آیین دادرسی مدنی. چ ۱۶. تهران: دراک. ج ۲.
- شهیدی، مهدی (۱۳۹۲). تشکیل قراردادهای و تعهدات. چ ۱۰. تهران: مجد.
- صحرائی، فرید و جمشیدی، جواد (۱۴۰۰). رفع ابهام از گزارش اصلاحی در آیین دادرسی. رأی، د ۱۰، ش ۳۵.
- صفایی، سید حسین (۱۳۵۱). نظریه جهت در قراردادهای؛ مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام، ایران و فرانسه. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۸.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲). قراردادهای معین. چ ۶. تهران: گنج دانش. ج ۲.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲). قواعد عمومی قراردادهای. تهران: انتشارات شرکت سهامی بهمن برنا. ج ۲.
- مهاجری، علی (۱۳۹۶). دامنه مداخله دادگاه در ماهیت گزارش اصلاحی. پژوهش‌های حقوقی-قضایی، ش ۱.
- هراتی، مصطفی (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی جایگاه "جهت" در حقوق قراردادهای ایران و حقوق نوین فرانسه «مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۱۱، ش ۱، ص ۳۸۱-۴۰۴»
- Bahrami, B. (2006). *Code of Civil Procedure 2*. 9th edition. Tehran: Negah Bineh Publishing Cultural Institute. (in Persian)
- Dayani, A. (2010). A Comparative Study of the Direction and Cause of Marriage in Iranian and French Law and Imami Jurisprudence. *Scientific Quarterly of Legal Research*. Vol. 10.
- Emami, S. H. (1973). *Civil rights, second volume*. Tehran: Islamia bookstore. (in Persian)
- Ghestin Jacques (2006). Cause de l'engagement et validité du contrat, Paris, LGDJ 20. Mazeaud Jean, et François CHABAS (1998), *Leçons de droit civil, t. II, Obligations: théorie générale*, Vol. I, 9e éd. par CHABAS, Paris, Montchrestien.
- Hayati, A.A. (2013). *Code of Civil Procedure 2*. Tehran: Mizan Legal Publications. (in Persian)
- Herati, M. (2020). comparative study of the Role of "cause" in Iranian contract Law and Modern French Law, Vol.11, No.1, pp. 381-404
- Hosseini, S. M.R. (2010). *Law of Civil Procedure in Judicial Procedure*. Tehran: Majd. (in Persian)
- Jafari Langroudi, M.J. (1997). *Legal Terminology*. 8th edition. Tehran: Ganj Danesh. (in Persian)
- Katouzian, N. (2013). *General rules of contracts*. Tehran: published by Bahman Barna Joint Stock Company. Vol. 2. (in Persian)
- Katouzian, N. (2013). *Moin contracts*. 6th edition. Tehran: Ganj Danesh Publications. Vol. 2. (in Persian)
- Mohajeri, A. (2017). The scope of the court's intervention in the nature of the corrective report. *legal-judicial researches*, No. 1.
- Pour Seyed, B. (1993). Master's Thesis: The Theory of Cause (consideration) in the Common Low Legal System in Comparison with Iranian and French Law
- Safai, S. H. (1972). The theory of direction in contracts, a comparative study in Islamic law, Iran and France. *Journal of Faculty of Law and Political Science*, No. 8. (in Persian)
- Sahrai, F. & Jamshidi, J. (2021). Clearing the ambiguity from the amendment report in judicial procedure. *Rai Quarterly*, Vol. 10, No. 35. (in Persian)
- Shahidi, M. (2013). *Formation of contracts and obligations*. 10th edition. Tehran: Majd Publications. (in Persian)
- Shams, A. (2008). *Civil Procedure Code*. 16th edition. Tehran: Derak Publishing House. Vol. 2. (in Persian)
- Terré François, Simler Philippe et Lequette Yves (2009). *Droit civil, Les obligations*, 10e éd., Paris, Précis Dal.